

نقش شبکه فضای میانوند در خلق دینامیسم درون شهری با تمرکز بر مراکز محلات شهر همدان*

ملیکا متقی^۱ - ویدا نوروز برازجانی^{۲*} - مزین دهباشی شریف^۳ - سید امیر منصوری^۴

۱. دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران.
۲. استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
۳. استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۴. استادیار گروه معماری، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۲ تاریخ اصلاحات: ۱۴۰۰/۱۲/۰۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۱۲/۲۷ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۶/۳۱

چکیده

پویایی فضا همواره فرصتی برای ایجاد رابطه قوی تر میان مکان و جامعه، جهت توسعه حیات شهری است. از آن جایی که ایجاد و توسعه فضاهای درون شهری، نظیر محلات می تواند در شکل گیری حیات اجتماعی پویا تأثیر به سزایی داشته باشد، می توان مراکز محله را در حکم فضای میانوند به منظور دستیابی به خدمات، ایجاد حس تعلق به مکان در ساکنان و سرزندگی محله بازنده سازی کرد. این پژوهش بر آن است که با رویکرد TND به بررسی نقش کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی در سامانه های فضایی میانوند درون شهری در جهت پویایی فضا بپردازد. مفاهیمی که حذف عجلولانه آن ها در معماری امروزی لطمه های جبران ناپذیری به دینامیسم حیات جمعی در شبکه درون شهری شهرها وارد کرده است. به منظور دستیابی به هدف پژوهش، ابتدا با استفاده از روش استدلال منطقی به تحلیل محتوایی - کیفی بافت مراکز محلات در شهر همدان پرداخته شد. در پی تحلیل کیفی، شاخص های مؤثر در دینامیسم فضای میانوند محلات استخراج گردید. این نوشتار با هدف غربالگری مؤلفه های مؤثر در دینامیسم درون شهری، در پی پاسخگویی به این پرسش است که نقش شاخصه های فضای میانی در پویایی محلات و فضای شهری چیست و با چه رویکردی می توان به این مهم دست یافت؟ برای پاسخ به این پرسش و جهت تدقیق مطالعه از رویکرد آمیخته استفاده شده است و کندوکاو صورت گرفته در بخش کیفی، به صورت کمی بررسی و تبیین گردید. بنابراین روند کلی این پژوهش با استدلال منطقی، تحلیل، جمع بندی و استخراج شاخصه های کیفی در چمن های مورد مطالعه، آغاز شده و در روش کمی اهمیت ضرایب و شاخصه ها به روش آنتروپی و تکنیک تاپسیس تحلیل و ارائه می شود. دستاوردهای پژوهش نشان دهنده آن است که بر اساس محرک های توسعه باز آفرینی شهری، حوزه های متعددی از جمله ابعاد فضای میانی، چیدمان فضایی، تنوع عملکرد اقتصادی و ریزساختارهای حیات اجتماعی - فرهنگی در بافت درون شهری چمن، نقش فزاینده ای در سرزندگی محلات و ایجاد دینامیسم شهری دارند.

واژگان کلیدی: فضای میانوند، دینامیسم شهری، پویایی، مرکز محله، TND.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «بازیابی نقش سامانه های فضایی میانوند در پویا کردن عرصه های جمعی، مطالعه موردی: بازارهای قزوین، کاشان و کرمان» است که در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز به راهنمایی نویسنده دوم، با مشاوره اول نویسنده سوم و مشاوره دوم نویسنده چهارم انجام گرفته است.

** E-mail: vid.norouz_borazjani@iauctb.ac.ir

۱. طرح مسئله

در محله‌های امروزی تا حدود زیادی بستری برای حضور اختیاری افراد و عملکرد اصلی فضای عمومی وجود ندارد. با توجه به این که معنای نمادین فضا، پس از فعالیت افراد در فضاهای کوچک اجتماعی آشکار می‌گردد، به این ترتیب به نظر می‌رسد که یکی از راه‌های ایجاد پویایی در فضای محله‌ای، ایجاد ساختار شبکه‌ای قدرتمند درون محله‌ای در راستای حیات اجتماعی افراد است. ارتباط بین این دو مقوله مسئله‌ای است که علوم مرتبط با این حوزه را به خود مشغول کرده و متخصصان، مؤثرترین راه گذر از بحران‌های اجتماعی و شکل‌گیری حیات مدنی را در بستر شهر و محله جستجو می‌کنند. این در حالی است که شهر تبدیل به مکانی برای انجام فعالیت‌های اجباری شده است و فضایی برای تبادل اطلاعات، مکث، تأمل و درنگ وجود ندارد. در صورتی که در طول تاریخ همواره مکان‌هایی برای رویدادهای اجتماعی و حیات مدنی مهم وجود داشته و به مرور زمان تکامل یافته است. در واقع این تحقیق به دنبال بازتعریفی برای عناصر درون‌شهری با تمرکز بر مراکز محلات شهر همدان، از طریق فضای بینابین و مکث جهت ایجاد ساختار شبکه‌ای هدفمند در جستجوی دینامیسم درون‌محله‌ای بوده و در این راستا در پی پاسخگویی به این پرسش است که نقش شاخصه‌های فضای میانی در پویایی محلات و فضای شهری چیست و با چه رویکردی می‌توان به این مهم دست یافت؟

از آن جایی که محلات قدیمی نشانه هویت فرهنگی و تاریخی شهرها محسوب می‌شوند و تخریب و نابودی آن‌ها تیشه‌ای بر ریشه هویت ساکنان است، ضرورت رسیدگی به این بافت‌ها و ساماندهی و احیاء آن‌ها احساس می‌شود. همدان دارای محله‌های تاریخی، فاخر و ارزشمندی است که بررسی محلات آن از حیث فضای میانوند را به عنوان راهکاری در پویایی فضای شهری تضمین می‌کند. این محلات به دلیل ویژگی خاص ساختاری و اجتماعی برای اولین بار در ایران به عنوان پایلوت برای بازآفرینی و محرک توسعه انتخاب شدند (سجادزاده و دیگران ۱۳۹۵).

در واقع در این پژوهش نحوه مداخله و تاثیرگذاری فضای میانوند را در دینامیسم محلات شهری را مورد بررسی قرار می‌دهد. از طریق شناسایی مؤلفه‌های پویایی فضاهای میانوند و حوزه مداخله آن‌ها می‌توان به آن رسید. امروزه ایجاد پویایی فضایی اصلی‌ترین نیروی محرک شکل‌دهنده به شهرها بوده و کلید موفقیت آن، پرداختن هم‌زمان به توسعه کالبد شهر است؛ امری که شهرهایمان را برای پذیرش کارکردها و یا ارائه خدمات جدید مجهز می‌نماید و کارکردهای بارزش موجود را به اعتلا می‌رساند.

۲. پیشینه پژوهش

حسن سجادزاده و همکاران در مقاله «نقش بازآفرینی با رویکرد محرک توسعه در محلات سنتی، نمونه موردی:

محله حاجی شهر همدان»، احیا و بازآفرینی محله و هم‌چنین حفظ ارزش‌های تاریخی و کالبدی آن در جهت تبدیل محله به یک مکان زیستی هماهنگ با زندگی امروزی و متناسب با شخصیت و هویت تاریخی را در محله حاجی در همدان مورد پژوهش قرار می‌دهد (همان ۱۳۹۵). او در پژوهش دیگری با عنوان «طراحی شهری در بازآفرینی محلات سنتی با رویکرد محرک توسعه، نمونه موردی: محله گلپا همدان» به مسئله پویایی و احیاء محلات سنتی پرداخته است، در این راستا چگونگی تأثیر رویکرد محرک توسعه در فرآیند بازآفرینی شهری در محله گلپا در همدان را به عنوان نمونه موردی بررسی می‌نماید (سجادزاده و زلفی‌گل ۱۳۹۴). زهرا نادریان با مقاله «بازآفرینی فرهنگی اجتماعی فضاهای شهری با هدف ارتقاء هویت محله‌ای، مطالعه موردی: محله سنگ شیر همدان»، کیفیت‌های محیطی و جنبه‌های فرهنگی-اجتماعی محلات شهری را در راستای ارتقاء هویت و پویایی محله‌ای در محله سنگ شیر همدان مورد واکاوی قرار می‌دهد (نادریان ۱۳۹۶). مریم غروی الخوانساری در پژوهشی تحت عنوان «از محله سنتی تا محله معاصر؛ کندوکاوی در راهکارهای احیاء هویت محلی در شهر امروز» احیاء هویت محلی را در شهر امروز در مقابل احیاء کالبدی محله‌های سنتی مطرح کرده و با الهام از ویژگی‌های محله سنتی و توجه به شرایط خاص و نیازمندی‌های حوزه‌های مسکونی معاصر، اصلی‌ترین فرصت‌ها و راهکارهای احیاء هویت محله‌ها و تقویت پایداری آن‌ها ارائه می‌نماید (غروی الخوانساری ۱۳۹۶). فرح حبیب و شیوا یغماییان فضای میانوند را در محوطه باز ساختمان‌های اکباتان و ایران‌زمین بر اساس مدل مکان و با محوریت فرد، مکان و فرآیند مورد واکاوی قرار داده و مدل دل‌بستگی ساکنان این مکان‌ها به فضای باز میانوند را در مقاله‌ای تحت عنوان «تدوین مدل P.P.P دل‌بستگی به مکان در راستای ارزیابی محوطه‌های مسکونی، نمونه موردی: فضای باز ساختمان‌های ایران‌زمین و اکباتان» تبیین نموده‌اند. یافته‌های پژوهش در هر دو نمونه حاکی از آن است که دل‌بستگی اجتماعی در این‌گونه فضاها بسیار بالاتر بوده است (Yaghmaeian and Habib 2017). در مقاله «تبیین ویژگی‌های پلازای شهری جهت توسعه اجتماعی پایدار» پژوهشی پیرامون میدان‌های محلی در شهر و نقش آن‌ها در شکل‌گیری شهری پایدار انجام داده است. یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده آن است که میدان‌های محلی (پلازا) کارکرد و معانی متفاوت و عمیقی در محله ایجاد کرده و باعث ترغیب مردم محلی برای حضور مؤثر در منطقه و حیات پایدار شهر می‌شوند (Cilliers et al. 2015). در پژوهش وهوم که به منظور بررسی TND صورت پذیرفت، نتایج نشان می‌دهد حالت مختلف حمل و نقل در محله نظیر: پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری و اتومبیل ارتقا داده می‌شود. استفاده از معابر باریک و تکنیک‌های دیگر آرام‌سازی

و شناسایی کدهای (شاخص‌های) استخراجی در این نمونه‌ها انجام شده است. لازم به ذکر است پیش از تدوین پرسش‌نامه و با هدف اعتبارسنجی بخش کیفی پژوهش، کدها و مضامین استنباط‌شده، مورد تأیید متخصصین قرار گرفته است. سپس بر مبنای نظرات آن‌ها شاخص‌های نهایی گزینش شده و در نهایت سؤالات جهت اتصال دو فاز کیفی و کمی در این پژوهش آمیخته مدون شده است.

پراکندگی چمن‌های تاریخی به صورتی انتخاب شده است که در محلات مختلف شهر همدان واقع شده باشند، نمونه‌های موردی از دامنه‌های شناخته‌شده انتخاب شده‌اند و هم‌چنین مدارک کافی جهت مطالعه دقیق آن‌ها در اختیار پژوهش بوده است؛ بنابراین می‌توان اعتبار آن‌ها را بسیار قابل قبول دانست، اعتباری که بر مبنای مطالعه دقیق نمونه‌های تحلیل‌شده قابل دفاع هستند. تنوع و گونه‌گونی پروژه‌های تحلیل‌شده به گونه‌ای است که با اندکی رواداری می‌توان نتایج حاصل از آن را در مقیاس‌های بسیار وسیع‌تر تعمیم داد. به گونه‌ای که دستاوردهای به دست آمده در ترسیم آینده معماری ایرانی، مورد استفاده و بهره‌برداری قرار گیرند.

این پژوهش بر پایه مصاحبه‌ها و پرسش‌نامه‌هایی متمرکز است که بیش از کمی بودن، کیفی هستند. ابزار گردآوری داده‌ها به صورت تحلیل کیفی مفاهیم و نظریه‌های موجود از نحوه کاربرد زنده‌سازی محلات مورد مطالعه است. این داده‌ها شامل مشاهدات عینی، تحقیقات میدانی، مطالعات کتابخانه‌ای، گفتگوهای محلی با کسبه و ساکنان بر مبنای شاخص‌های گزینش شده است. پس از تحلیل محلات و گردآوری داده‌ها به روش ذکرشده، پرسش‌نامه‌ای ۲۱ سنجی و چهارمعیاره‌ی کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی طرح‌شده و پرسش از ۳۰ متخصص که همگی از فعالین و تحصیل‌کرده‌های حوزه شهری و ساکن شهر همدان بوده و اشراف کامل به محلات مورد مطالعه داشتند، صورت گرفته است. پرسش‌نامه با استفاده از طیف لیکرت پنج مرحله‌ای توسط طیف متخصص ارزش‌گذاری و نتایج به صورت میانگین مجموعه امتیازات حاصل در مورد هر محله تدوین شده است. سپس با استفاده از کاربرد تکنیک آنتروپی و روش تاپسیس تعیین وزن و ضریب تأثیر هر یک از شاخص‌ها مشخص شده است. آمار عددی منتج از تکنیک آنتروپی با حرکتی رفت و برگشتی شش مرحله‌ای به شاخص‌ها مورد واکاوی قرار گرفته و در نهایت شاخص‌های پویایی غربالگری شده است. در نهایت با هدف اعتبارسنجی فاز کمی پژوهش، شاخص‌های پویایی برآوردشده در چمن‌های مطالعه موردی، مورد ارزیابی قرار گرفت و نتایج با روش استاندارد تاپسیس مقایسه شده است. محاسبه روش تاپسیس اصلاح‌شده با در نظر گرفتن ضرایب مختلف کنترل پراکندگی داده‌ها و بررسی ضرایب همبستگی نشان می‌دهد که روش تاپسیس شش مرحله‌ای در این پژوهش توانسته به خوبی داده‌های دورافتاده را

ترافیک به کاهش ترافیک در جهت افزایش ایمنی پیاده کمک می‌کند (Ohm et al. 2001). در پژوهش دیگری در باب رشد هوشمند شهری، TND این گونه تعریف شده است: محله‌ای فشرده با کاربری‌های مختلط مسکونی، تجاری و ساختمان‌های اداری که در مجاورت و ارتباط نزدیک با یک‌دیگر قرار گرفته‌اند. نوعی برنامه‌ریزی بر اساس اصول شهرهای کوچک سنتی و توسعه محلات شهری است. TND باززنده‌سازی و معاصرسازی ارزش‌های گذشته در پاسخ به عدم کارایی کاربری‌ها و زیرساخت‌ها در توسعه‌های جدید شهری است. این رویکرد با هدف قراردادن نیازهای گوناگون و متفاوت انسان‌ها در پی هویت‌بخشی به محلات شهری است (Ibid).

با توجه به این که رویکرد TND تأکید بر محلات سنتی و تاریخی دارد، لذا در کشورهایی مانند ایران که گنجینه برخی از محلات سنتی خود را حفظ کرده است، جهت معاصرسازی و پویایی این محلات راهگشا است. البته در زمینه بومی‌سازی این رویکرد در ایران پژوهش خاصی صورت نگرفته است، ولیکن پژوهش‌های پیشین صورت‌گرفته بیانگر نتیجه‌بخش بودن به‌کارگیری این رهیافت در حوزه محله‌های سنتی ایران است. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به مقاله با عنوان «بهره‌گیری از رویکرد TND در راستای طرح‌ریزی محلات سرزنده» اشاره کرد (اخوان ۱۳۹۸). نکویی و همکاران در پژوهشی با عنوان «تجدید حیات محلات تاریخی در راستای توسعه پایدار شهری با تکیه بر رویکرد TND» مطالعه‌ای در محله بیدآباد شهر اصفهان داشته‌اند (نکویی و دیگران ۱۳۹۲). متقی و همکاران نیز در پژوهشی با عنوان «نقش تغییر کاربری در شبکه فضای میانوند و دینامیسم شهری؛ نمونه موردی: خانه‌های تاریخی تهران» با استفاده از رویکرد TND و مدل مکان به نقش تغییر کاربری خانه‌های تاریخی در دینامیسم محلات پرداخته‌اند (متقی، برازجانی، و دهباشی ۱۴۰۰). بنابراین می‌توان ادعا نمود که این مطالعه دارای جنبه‌ای از نوآوری بوده و در پی کشف اثر فضای میانوند در مراکز محلات و هم‌چنین به دنبال کشف مؤلفه‌های اثرگذار در پویایی شبکه محله‌ای همدان است.

۳. روش شناسی پژوهش

رهیافت پژوهش حاضر، روش آمیخته است، علت استفاده از این رهیافت تدقیق و تأیید فاز کیفی پژوهش به وسیله فاز کمی آن است. جهت انجام این پژوهش با توجه به انطباق مفهومی شاخص‌های رویکرد این پژوهش با کدهای تحلیلی روش داده‌بنیاد از این راهبرد بهره‌گیری شده است. بنابراین ابتدا در فاز کیفی با استفاده از راهبرد داده‌بنیاد به استخراج شاخص‌های ارزیابی فضاهای میانوند بر مبنای رویکرد پژوهش پرداخته و پس از شناسایی گونه‌های مفهومی فضاهای میانوند مورد مطالعه (چمن‌ها)، کدگذاری این فضاها صورت گرفته و تحلیل

کنترل نماید.

۴. مبانی و چارچوب مفهومی پژوهش

چارچوب مفهومی پژوهش بر مبنای چهار مفهوم اصلی طبقه‌بندی شده است.

۴-۱- مفهوم TND و ضرورت ایجاد آن

یکی از جنبش‌های جدید پست‌مدرن در زمینه برنامه‌ریزی و طراحی شهری در سه دهه اخیر، جنبش شهرسازی با رویکرد توسعه محلات بوده است. این رویکرد، با هدف قرار دادن محلات شهری و با ارائه راهکارهایی، پویایی، سرزندگی و پویایی را به ساختار شهر بازمی‌گرداند. این منشور نیازهای حیات مدرن و پسامدرن را رد نمی‌کند، بلکه می‌کوشد برای رفع آن‌ها راه‌حل‌های کالبدی، فنی و غیره متناسب با حیات انسانی و حفظ محیط‌زیست را با تأکید بر جایگاه فراموش‌شده انسان بیاید (مهدوی‌نژاد، ۱۳۹۳، ۱۶۹).

ماهیت بازآفرینی شهری را در شش مقوله مجزا می‌توان به طور خلاصه مطرح نمود: نخست، بازآفرینی شهری یک فعالیت مداخله‌گر است. دوم، عملیات بازآفرینی شهری با فعالیت مشترک بخش‌های مختلف اجتماعی، عمومی و خصوصی صورت می‌گیرد. سوم، بازآفرینی شهری فعالیتی است که در طول زمان همراه با تحولات اقتصادی، اجتماعی، محیطی و سیاسی، تغییرات قابل ملاحظه‌ای در ساختارهای اداری به وجود می‌آورد. چهارم، بازآفرینی شهری به بسیج جمعی می‌پردازد و پایه‌ای برای مذاکرات جهت اتخاذ راه‌حل‌های مناسب ارائه می‌دهد. پنجم، فرآیند بازآفرینی شهر مبتنی بر یکپارچگی در مدیریت تغییر در نواحی شهری است. ششم، بازآفرینی شهری، مستلزم عملکرد عناصر مختلف سیستم شهری (اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی) بر اساس ماهیت بازآفرینی شهری است (فارسی و دیگران، ۱۳۹۸).

اهداف آن را می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

- اهداف کالبدی: حل مشکل فرسودگی کالبدی، گسترش امکانات سکونت در شهر و توسعه زیرساخت‌های محلی، ارتقای میراث معماری (در هسته‌های تاریخی) و گردشگری شهر (Collins and Collins 1965).
- اهداف اجتماعی: جذب نهادها و سازمان‌های آموزشی و پژوهشی، رسیدن به ارزش‌ها و ترجیحات جامعه و گروه‌های مختلف اجتماعی، سازمان‌دهی مجددساز و کارهای انطباق تصمیم با مردم‌سالاری (Thomas and Comitta, 2010)، افزایش میزان فضای همکاری و مشارکت، توجه به تعاملات میان سازمان‌ها و نهادها و روابط درونی آن‌ها (Anderson et al. 2017).
- اهداف اقتصادی: جذب سرمایه‌گذاری، ایجاد اشتغال، نو شدن اقتصاد شهر، بهبود توزیع ثروت (اشتری و مهدنژاد

(۱۷، ۱۳۹۳).

- اهداف محیطی: ارتقای محیط‌زیست، مبارزه با آلودگی‌ها (لنگ، ۱۳۸۸، ۲۵۶).

یکی از راهکارهایی که در دهه‌های اخیر برای بهبود وضعیت محلات مطرح شده رویکرد TND است. این رویکرد با راهکارهایی که ارائه می‌دهد محلات را دوباره زنده ساخته و حضور افراد را در سطح محله تداوم می‌بخشد. TND نوعی سیستم برنامه‌ریزی جامع است که شامل انواع مختلفی از مسکن و کاربری‌ها در محدوده‌ای معین می‌باشد. کاربری‌های اداری، آموزشی، تجاری و غیره با فاصله مناسب پیاده‌روی از مناطق مسکونی قرار گرفته‌اند. امکان انتخاب پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری و استفاده از وسایل نقلیه برای ساکنین وجود دارد. در این نوع محلات فضاهای عمومی و خصوصی واجد ارزش یکسانند. ساختمان‌های اداری (مدنی) شهر و فضاهای شهری مثل پالزا، پارک‌ها و میدانی هویت و ارزش محله را افزایش می‌دهند. TND طراحی محلات سنتی بر مبنای مقیاس انسانی است، باززنده‌سازی و معاصرسازی ارزش‌های گذشته در پاسخ به عدم کارایی کاربری‌ها و زیرساخت‌ها در توسعه‌های جدید شهری است (Duanny and Plater-Zyberk 2010).

TND توسعه فشرده محلات یا شهر بر اساس اصول و مبانی برنامه‌ریزی شهرهای سنتی است. این نوع توسعه می‌تواند شامل توسعه‌های دورن‌شهری و استفاده مجدد از ساختمان‌های موجود باشد یا می‌تواند به صورت جدید در زمین‌های توسعه نیافته ایجاد گردد. پروژه‌های TND شامل انواع متفاوتی از مسکن، خیابان‌ها و بلوک‌های به هم پیوسته، فضاهای عمومی و تسهیلاتی هم‌چون فروشگاه، مدرسه و پرستش‌گاه‌ها است که جابه‌جایی بین آن‌ها به صورت پیاده امکان‌پذیر است. مقیاس این پروژه‌ها در حد محله یا شهر است و نباید به لحاظ مقیاس با نوشهرسازی اختلاط یابد. نکته قابل توجه این است که TND از سبک‌های معماری متفاوتی در طراحی بهره می‌گیرد و توسعه محلات سنتی به معنای قدیمی بودن این رویکرد نیست، بلکه به معنای استفاده از ارزش‌ها و هنجارهای گذشته و معاصرسازی آن‌ها در توسعه‌های جدید شهری است. TND با محوریت قراردادن محله به عنوان هسته تشکیل‌دهنده شهر یکی از ابزارهای شکل‌دهی محلات بر اساس نظم و برنامه‌ای از پیش تعیین‌شده محسوب می‌شود. از این رو استفاده از این رویکرد به عنوان راهکاری که تنظیم‌کننده محیط کالبدی، اجتماعی و فرهنگی در سطح محله است ضروری به نظر می‌رسد (Cilliers et al. 2015).

۴-۲- مفهوم دینامیسم در فضای شهری

این کلمه در ساده‌ترین معنای خود؛ به معنای پویایی و خودحرکتی است (فرهنگ عمید). در فلسفه، هر یک از نظریه‌های فلسفی که پدیده‌های مادی جهان را حاصل عمل نیروهای گوناگون می‌داند، به دینامیسم ارتباط می‌دهند (Rauh 2015).

پویایی اجتماعی (یا جامعه دینامیک) می‌تواند به رفتار گروه‌هایی اشاره داشته باشد که از مطالعه رابطه بین تعامل‌های فردی و رفتارهای سطح گروهی ناشی می‌شود (Loktionov 2019). دینامیسم شهری طیف گسترده‌ای از روابط درهم‌تنیده‌ای است که در این تحقیق نقش داشته و علاوه بر کارایی در فرآیندهای اجتماعی، شناختی، موجب توسعه در فعالیت‌های تأثیرگذار بر رفتار انسان، در ارتباط با محیط پیرامون خود شده است.

زمینه دینامیسم شهری ایده‌هایی از اقتصاد، جامعه‌شناسی، روانشناسی اجتماعی و سایر رشته‌ها را در حوزه شهری گرد هم می‌آورد. ایده‌هایی که زیرمجموعه‌ای از سیستم‌های سازگاران پیچیده در التقاط روابط ادراکی است. فرض اساسی این است که افراد در دینامیسم محیط تحت تأثیر رفتار یک‌دیگر و محیط قرار می‌گیرند (Rauh 2015).

در دیدگاه جامعه‌شناختی مردم‌محور، به دینامیسم شهری فضای شهری تأکید می‌شود و اعتقاد دارد شهرها در درجه اول مربوط به مردم است و مردم در همراهی با ویژگی‌های اجتماعی و کارکردی محیط‌های خاص شهری، می‌توانند باعث دینامیسم شهری شوند (شهبازی و دیگران ۱۳۹۹). یکی از فضاهایی که به عقیده این پژوهش می‌تواند منجر به این مهم گردد، فضاهای میانوند با تأکیدات درون‌محله‌ای است. دینامیسم در ساختارهای عملکردی درون‌شبکه‌ای بسیار مؤثر عمل می‌کند. بنابراین پژوهش حاضر به صورت آگاهانه از این عملکرد قدرتمند در راه خلق شبکه‌ی مؤثر در ساختار درون‌محله استفاده می‌نماید.

۴-۳- مفهوم سامانه فضای میانوند

هاجر و ریچندراپ در سال ۲۰۰۱ واژه فضاهای میانوند را برای اولین بار مطرح کرده و بیان نمودند که می‌توان از این فضاها به عنوان فضاهای رابط استفاده نمود. به صورتی که فعالیت‌ها و روابط مختلف را به شیوه‌ای که ایجاد ارزش کند به یک‌دیگر مرتبط سازند (Carmona 2010). هم‌چنین این واژه در توصیف فضاهای گمشده و غایب میان فرم‌های کالبدی در فضاهای شهری نیز به‌کار گرفته می‌شود (Piccinno and Lega 2013). از نظر اساریو، فضاهای میانوند، فضاهای باقی‌مانده‌ای هستند که به طور برنامه‌ریزی نشده به عنوان بستری برای ایجاد نامنی شناخته می‌شوند که در نهایت منجر به بروز مشکلات کالبدی و اجتماعی در ساختار شهر می‌شوند (Osoria 2012). چنان‌چه از فضاهای یادشده به شکل مؤثر بهره‌گیری شود، این خصیصه آن‌ها کنترل می‌شود.

اصطلاح فضاهای میانوند عمدتاً در مطالعات فرهنگی و اجتماعی با پیشوند "inter" هماهنگی فراوانی دارد، که نشان‌دهنده همپوشانی، ارتباط و همبستگی میان اجزای مختلف است (Luz 2006).

فضاهای میانوند شهری را از حیث کیفی می‌توان به دو دسته فضاهای پیوسته و فضاهای غیرپیوسته تقسیم کرد؛ فضاهای پیوسته آن دسته از فضاهایی هستند که داخل محدوده خاص مانند ساختمان قرار دارند و به صورت منظم، با سایر فضاها مرتبطند. فضاهای غیرپیوسته، آن‌هایی هستند که شرایط فیزیکی متنوعی دارند، بیش‌تر در فضای باز شهری وجود دارند و به طور منظم با سایر اجزای ساختاری در شهر ارتباط ندارند (Carmona 2010). فضاهای میانوند غیرپیوسته شامل فضاهای گمشده (پشت‌بام‌ها و فضاهای زیر ساختمان‌ها) و فضاهایی با کاربری دوگانه (فضاهای نامفهوم و غیرواضح و فضاهای محصور به وسیله لبه ساختمان‌ها) و منظور از فضاهای میانوند پیوسته، فضاهای داخل محدوده (فضاهای مکث میان ساختمان‌ها و فضاهای مقابل ساختمان‌ها) است. بنابراین در این بحث فضاهای میانوند از نوع غیرپیوسته موردنظر است.

یان گل فضاهای میانوند را به عنوان فضایی واسطه‌ای که عملکردی دو جانبه دارد معرفی می‌کند. این فضا، شکل و شخصیت مستقلی ندارد و به منزله فضایی جهت مناسب‌سازی ارتباطات میان فضاها در نظر گرفته می‌شود. به عبارتی این فضا مرزهای مخصوص به خود را ندارد و به وسیله فضاهای واقع در طرفین خود مشخص و تعریف می‌گردد. زمانی که این فضا گشوده می‌شود امکان ایجاد تبادل اجتماعی، فرهنگی و طبیعی را فراهم می‌سازد (فردپور، دولت آبادی، و مهدوی نژاد ۱۴۰۰).

فضای میانوند، سامانه‌ای میان دو رویداد یا فضای مشخص است و اغلب به عنوان یک اتصال بین دو انتها و مفصل میان دو فضا در نظر گرفته می‌شود (Hudson and Shaw 2012). این مفاصل شامل مکان‌های کوچک و بزرگ‌مقیاس، فضاهای عمومی و خصوصی و فضاهای ساخته‌شده و ساخته نشده‌اند که دارای عملکرد بینابینی و مکث هستند (De Smet 2012). فضاهای میانوند سامانه‌های اثرگذاری از جمله فضاهای میان ساختمان‌ها، بلوک‌های ساختمانی و محلات شهری را در برمی‌گیرند. این فضاها بیش‌تر در بین دو ساختمان یا در مقابل، طرفین یا در عقب ساختمان‌ها وجود دارند (Hudson and Shaw 2012). این سامانه، ساختاری فراتر از فضا دارد و به سلسله‌مراتب فضایی و شبکه اتصالات درون‌محیطی اطلاق می‌شود (Carmona 2010). صرف‌نظر از نامی که پژوهشگر به فضای میانوند اختصاص می‌دهد، ساختار روابط این سامانه چندگانه است و موجب رشد سیستم می‌گردد. اجماع این رشد و اثرگذاری در کالبد شهر در چرخه روابط اجتماعی منجر به دینامیسم در شبکه درون

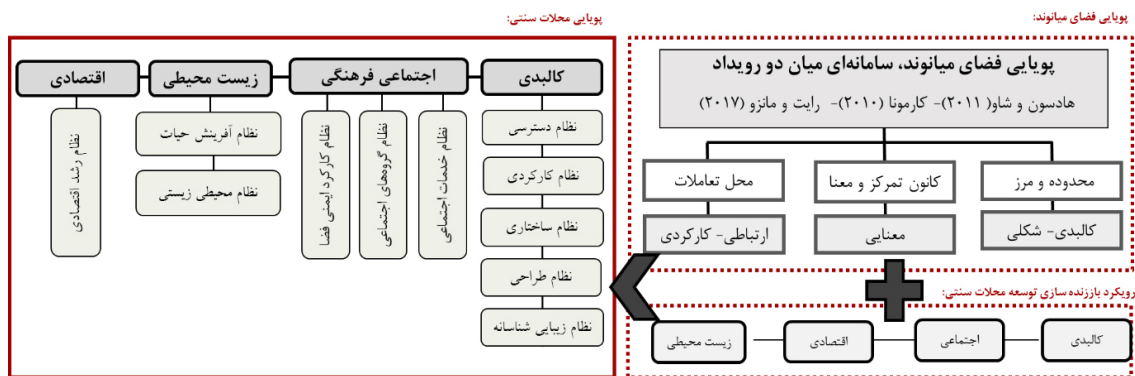
محله می‌شود.

۴-۴- مؤلفه‌های موثر بر خلق دینامیسم درون محله‌ای

در این نوشتار رویکرد توسعه محلات سنتی به عنوان روشی مداخله‌گر و نقطه اتصال دو مفهوم مکان‌های عمومی محلات و فضاهای میانوند، جهت باززنده‌سازی محلات مطرح می‌شود. در این روش شاخصه‌های مطرح در مقوله پویایی محلات سنتی، بر اساس برهم‌کنش و

تجمع رویکرد توسعه محلات و پویایی فضای میانوند، مورد بررسی قرار گرفته و مؤثرترین شاخصه‌ها در مطالعه فضای میانوند شهری از حیث توانایی در ایجاد سرزندگی استخراج شده‌اند. این شاخصه‌ها در چهار بعد شامل ابعاد ساختاری- کالبدی، توسعه اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و زیست‌محیطی دسته‌بندی می‌شوند. شکل ۱ مؤلفه‌های مؤثر بر سرزندگی فضای میانی در محلات آورده شده است.

شکل ۱: مؤلفه‌های مؤثر بر سرزندگی فضای میانی در محلات سنتی



در جدول ۱ معیارهای سنجش پویایی مرکز محلات بر پایه رویکرد توسعه محلات سنتی ارائه شده است.

جدول ۱: سنجش پویایی فضای میانوند محلات سنتی با رویکرد چهارگانه (TND)

بعد کالبدی			
مؤلفه	سنجه (معیار)	مؤلفه	سنجه (معیار)
نظام دسترسی	نظام دسترسی مناسب، گشودگی‌های مناسب	نظام ساختاری	ساختار شکلی مکان
(رلف ۱۳۸۹)	وجود پارکینگ	(شولتز ۱۳۸۴)	سلسله‌مراتب
(لینچ ۱۳۸۱)	ارتباط داخلی و خارج فضا	(Veal 2020)	شفافیت فضا عمومی و خصوصی
(Rahman and Jones 2016)	ارتباطات خارجی	(Rauh 2014)	ابعاد فضا و مقیاس انسانی
	مسیریابی در ساختار کلی		منطق فضایی
	بعد زیست‌محیطی		محصوریت فضا
مؤلفه	سنجه (معیار)	نظام طراحی فضا	تنوع الگوهای نما
نظام محیطی-زیستی	توجه به اقلیم خاص منطقه	(هال ۱۳۸۴)	تنوع الگوهای فضایی
(نیومن ۱۳۸۷)	به‌کارگیری ساختارهای زنده در خلق فضا	(Jacobs 1961)	تنوع الگوی هندسی مرزهای مشترک
نظام آفرینش حیات			
(الکساندر ۱۳۹۰)			

بعد اقتصادی		بعد اجتماعی- فرهنگی	
مؤلفه	سنجه (معیار)	مؤلفه	سنجه (معیار)
طراحی برای اقتصاد رو به رشد		ارائه خدمات خرد مقیاس	نظام خدمات اجتماعی (وایت ۱۳۹۲) (حبیبی ۱۳۷۸) Lane, Videira, and (Casanova, 2019)
توجه به سرمایه‌گذار	نظام زنده نگهداری و رشد اقتصادی (مدنی پور ۱۳۸۴)	توجه به نیازهای اجتماعی	نظام گروه‌های مختلف اجتماعی (مدنی پور ۱۳۹۱)
		غنای فرهنگی و اختلاط اجتماعی گروه‌ها	

آن است، این وضعیت جغرافیایی همدان را از دیرباز به یک مرکز زیستگاهی همیشگی مبدل کرده است (حبیبی ۱۳۸۷). تعدد محله‌ها و مراکز محله‌ای با بناهایی هم‌چون مساجد و بناهای عمومی، نشانه‌های بارزی از اوضاع اجتماعی و ساختار معماری محلات است. در شکل ۲ نظام مرزبندی محلات در شهر همدان و موقعیت محله‌های منتخب نسبت به یک‌دیگر مشخص شده است.

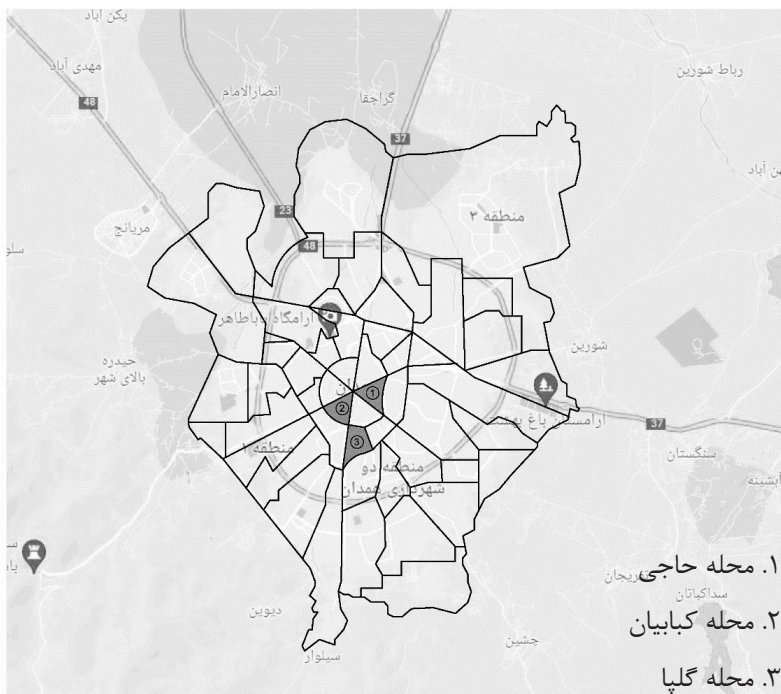
۵. شناخت و تحلیل محدوده مورد مطالعه

دو حوزه اصلی در شناخت و تحلیل محدوده، گونه‌شناسی و معرفی چمن‌های مورد مطالعه است.

۵-۱- بافت تاریخی شهر همدان و شناخت مراکز محلات منتخب

همدان پیشینه‌ای کهن دارد که مدیون موقعیت طبیعی

شکل ۲: موقعیت محله‌های مورد مطالعه در شهر همدان



از میان نمونه‌ها انتخاب شدند. اغلب چمن‌های به جای مانده در همدان از بین رفته است. این سه محله تنها چمن‌هایی‌اند که با تغییرات نسبی به حیات نیمه‌زنده خود ادامه می‌دهند. در شکل ۳ عکس‌هایی از مرکز این

در این پژوهش از میان محله‌های سنتی در شهر همدان، پنج محله شناسایی گردید. سپس بر مبنای رویکرد توسعه محلات سنتی سه محله قدیمی همدان به نام‌های حاجی، کبابیان و گلپا که در مرکز شهر همدان واقع هستند،

۳. حوزه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری: (الف) رویکرد بین‌رشته‌ای و عملکرد گروهی، (ب) مشارکت، (ج) انعطاف‌پذیری.
پراکندگی مرکز محله‌های تاریخی، به صورتی انتخاب شده است که در محلات تاریخی مختلف شهر همدان واقع شده باشند.

محلات قابل مشاهده است. عوامل تأثیرگذار در چگونگی این جداسازی، عبارت‌اند از:
۱. حوزه شهرسازی: (الف) شاخص بودن محله، (ب) داشتن مرکز محله فعال.
۲. حوزه عوامل مؤثر در طراحی: (الف) کارفرما، (ب) استقبال عمومی، (ج) منظر فرهنگی.

شکل ۳: به ترتیب از راست به چپ محله حاجی، محله گلپا و محله کبابیان



مرکز تجمع و قلب تپنده محلات بودند (سعیدی و دیگران ۱۳۹۱). سیر آغازین به همراه روند تغییرات محلات و چمن‌های همدان و هم‌چنین ساختاربنندی شهر همدان در جدول ۲ آمده است.

در گذشته در بسیاری از محلات همدان محوطه‌هایی به شکل مربع، مستطیل، دوزنقه یا بدون شکل هندسی وجود داشته که کوچه اصلی محله بدان منتهی می‌شده است. این محوطه‌ها که «چمن» نام داشتند، در حکم

جدول ۲: سیر تطور چمن در دوره‌های مختلف ساخت شهری همدان

دوره	زمان‌بندی تاریخی	تغییرات بافت شهری	تغییرات چمن و محلات
۱	قرن اول هجری قمری (ورود اسلام)	تغییر از مناطق «تپه‌ای و بلندی‌های سنگی» به «ریض شهر» به منطقه اصلی جهت سکونت	آغاز شکل‌گیری محلات شامل: آرامنه، آشوری‌ها، جهودی‌ها و مسلمانان (yaghmaeian and Habib 2017)
۲	دوره بنی‌امیه و بنی‌عباس	شروع مرزبندی محلات و تغییرات اساسی در بافت منطقه، حصاربندی جدید	دروازه‌بندی محلات، حضور چمن با ساختار شکلی کاملاً مستقل (زارعی ۱۳۹۱، ۶۶)
۳	صفویان	هسته اصلی شهر: بازار و مسجد؛ مراکز فرهنگی و مذهبی: آرامگاه و امامزاده؛ مراکز تجاری: بازارچه‌های فصلی، حمام و بازارچه	پررنگ شدن معابر مواصلاتی شامل: چمن، کوچه و محله (آزنگ ۱۳۸۸، ۴۰)
۴	اواخر قاجار، اوایل پهلوی	تبدیل کوی و برزن به خیابان‌کشی‌های جدید	از بین رفتن اکثر چمن‌ها و محلات و بافت ارگانیک منطقه؛ حفظ شاکله چمن‌های باقیمانده نظیر: چمن بنه بازار، وردآباد، مهتران، ورمزیار، مجدآباد و غیره. (همان ۴۱)
۵	پهلوی دوم	محوربندی شش‌گانه با دوایر متحدالمرکز توس کارل فردریش اتریش. محورهای: بوعلی، عبای آباد، پهلوی، باباطاهر، اکباتان، سنگ شیر.	نابودی هندسه محلات بالأخص چمن‌ها مراجعه افراد از چمن به عنوان تأمین نیازهای اجتماعی فرهنگی اقتصادی محیطی، به قسمت‌های جدید شهری (زارعی ۱۳۹۱، ۶۸)

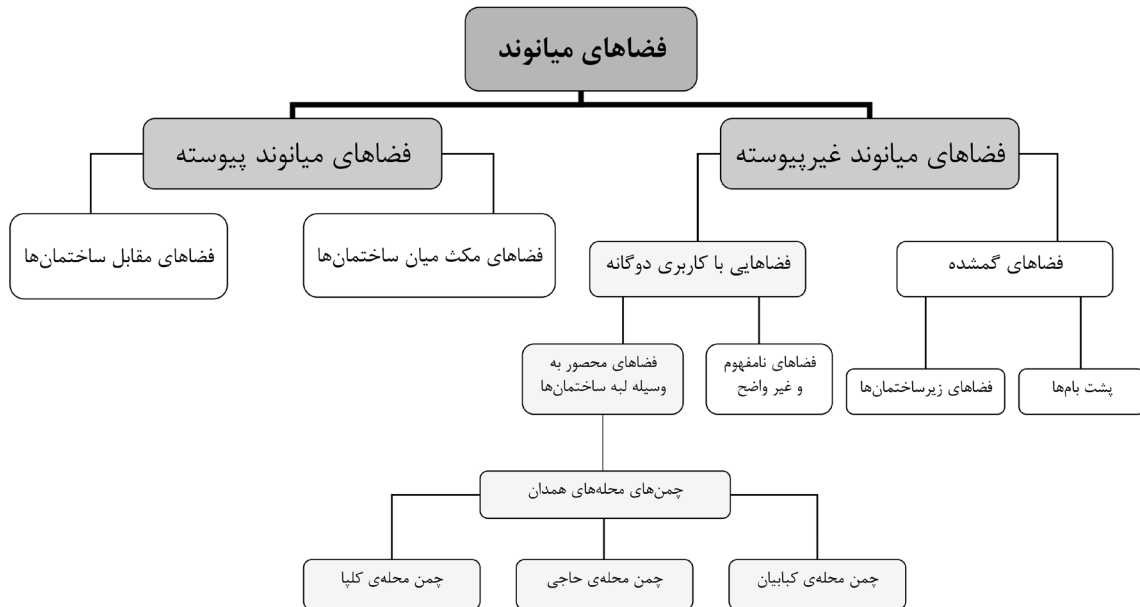
دوره	زمان بندی تاریخی	تغییرات بافت شهری	تغییرات چمن و محلات
۶	۱۳۵۹ به بعد	اوج ساخت و ساز شهرنشینی؛ تغییرات کاربری مزارع و بافت سبز به کاربری مسکونی	نابودی چمن های باقیمانده؛ حیات نیمه زنده برخی چمن ها نظیر حاجی، گلپا، کبابیان (سجادزاده و زلفی گل ۱۳۹۴)
۷	هم اکنون	ایجاد طرح های مرمتی بافت سنتی، احیاء سازی چمن های باقی مانده، سنگفرش سازی شش محور اصلی از مرکز شهر تا حلقه مرکزی	اقدامات نامناسب شهری و تغییر بافت در معدود چمن های باقی مانده (همان ۵۷)

۵-۲- گونه شناسی چمن های مورد مطالعه در محلات همدان

اکنون تنها چند چمن از جمله چمن حاجی و گلپا، بخشی از چمن کبابیان و قسمت های کمی از چمن آقاجانی بیگ باقی مانده است (رفعیان و دیگران ۱۳۸۶) که در پژوهش حاضر پس از گونه شناسی به معرفی مختصری از نمونه های موردی پرداخته می شود.

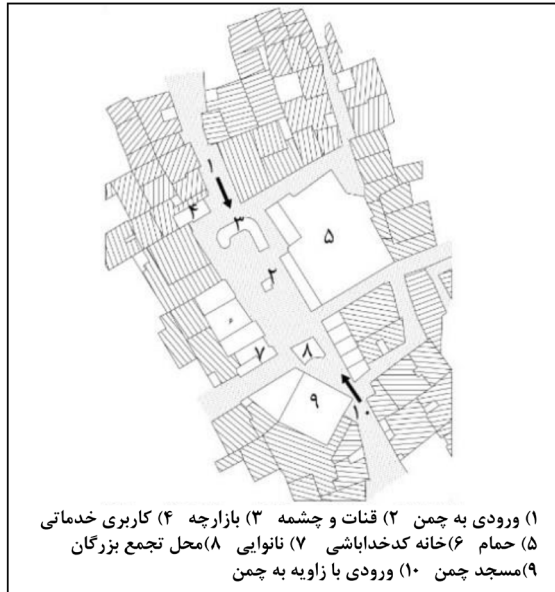
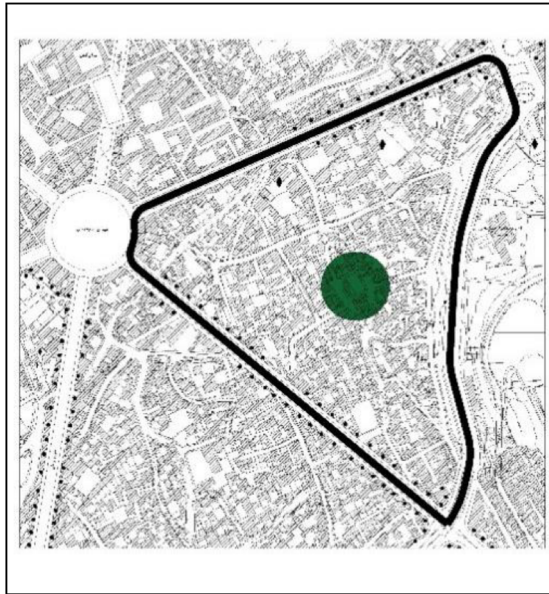
چمن ها در شهر همدان معرف فضای کارآمد با ساختار مرکز محله ای بود. شبکه ای درون ساز که به رشد فعالیت های درون محله ای از حیث اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی یاری می رساند و موجبات پویایی در حوزه درون شهری را فراهم می آورد. از ویژگی های چمن های به جای مانده در سال های ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۰ می توان به موارد ذیل اشاره کرد: دارای فضای باز و وسیع جهت اجتماع و تعاملات، قنات و چشمه و راه های دسترسی به آن، فضای تجمع و دورهم نشینی بزرگان، بازارهای دائمی و فصلی، معابر فرعی و اصلی رفت و آمد، فضای خاص برای اتفاقات روزمره مهم،

شکل ۴: گونه شناسی چمن های مورد مطالعه در تقسیمات ساختارمند فضای میانوند



شرایط کنونی محله حاجی و مرکز محله آن در شکل ۵ نشان داده شده، مسجد، حمام، مراکز خرید و فضای سبز از عناصر اصلی این محله است.

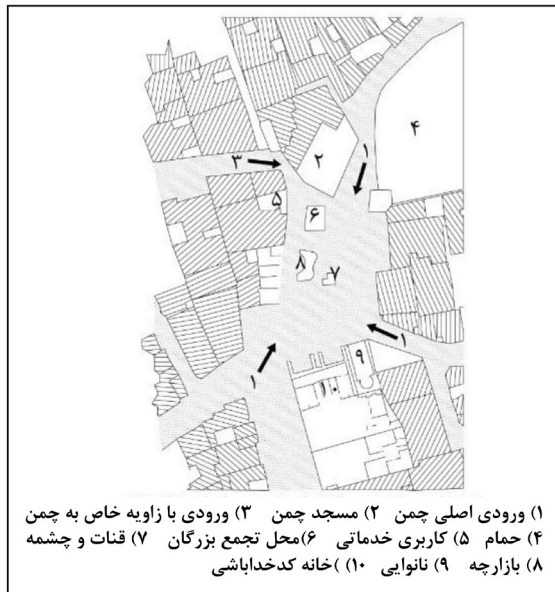
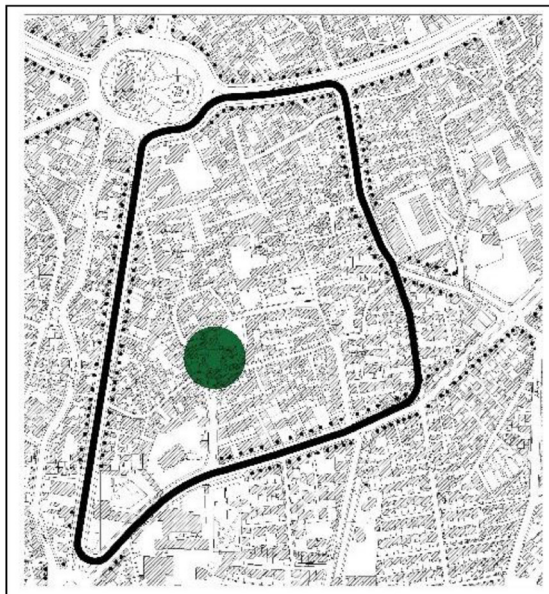
شکل ۵: سمت راست: اجزای داخلی چمن حاجی؛ سمت چپ: مرکز محله حاجی با تأکید بر چمن محله (فضای میانوند محله)



آن را در برگرفته مشخص شده است. جداره‌های تجاری و هم‌چنین بافت مسکونی جدید در کنار بافت‌های قدیمی در محله در کنار یک‌دیگر نشسته‌اند (سجادزاده و زلفی گل، ۱۳۹۴).

شکل ۶ نقشه وضع فعلی و عکس‌های محله گلپا را نشان می‌دهد، محله گلپا دارای قدمتی مربوط به اواخر قاجار و بافتی است که در دوران گذشته دستخوش تغییرات زیادی گشته است. حوزه نفوذ این محله به وسیله خیابان‌هایی که

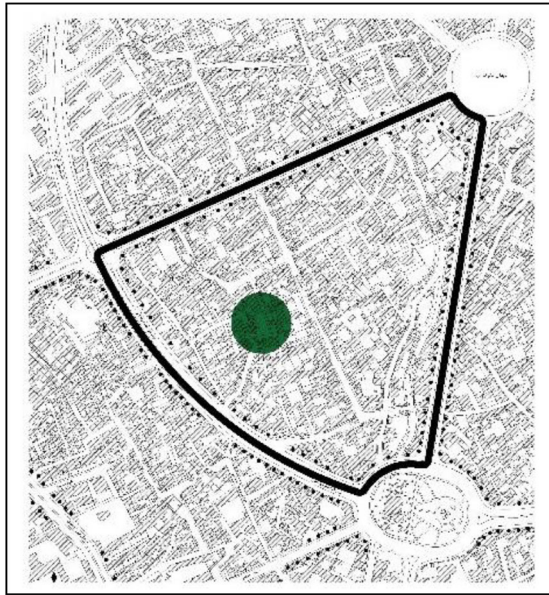
شکل ۶: سمت راست: اجزای داخلی چمن؛ سمت چپ: مرکز محله گلپا با تأکید بر چمن محله (فضای میانوند محله)



محلات باقی‌مانده از محله‌های بافت تاریخی همدان است که در نزدیکی بازار و میدان مرکزی شهر همدان واقع شده است و مربوط به اواخر دوره قاجار است (همان).

شکل ۷ نقشه وضع فعلی و عکس‌های محله کبابیان را در شهر همدان نشان می‌دهد که در حلقه اول کمربندی شهر قرار گرفته است. این محله به عنوان یکی از قدیمی‌ترین

شکل ۷: سمت راست: اجزای داخلی چمن؛ سمت چپ: محله کبابیان با تأکید بر چمن محله (فضای میانوند محله)



متخصصان، از طریق لیکرت پنج مرحله‌ای انجام می‌شود، سپس اهمیت ضرایب به روش آنتروپی و محاسبات شاخص‌ها توسط تکنیک تاپسیس انجام می‌شود. پرسش‌نامه نظرسنجی شاخصه‌های کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی در فضای میانوند محله‌ها را با تأکید بر پویایی آن در اختیار متخصصان قرار داد. در این پژوهش ۳۰ متخصص، آراء و نظرات خود را بیان کردند. سیمای کلی طیف متخصص مشارکت‌کننده در پژوهش در جدول ۳ ارائه شده است. در ادامه میانگین امتیازات ارائه‌شده توسط متخصصان در زمینه‌ی هر یک از سنجه‌ها در محلات مورد مطالعه پژوهش ارائه می‌شود.

۶. یافته‌های پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از روش استدلال منطقی به تحلیل محتوایی بافت مورد مطالعه پرداخته تا مشخص گردد که چطور فضاهای میانوند در نظام معماری و شهرسازی ایرانی منجر به آفرینش سامانه‌ای پویا شده و برعکس امروزه با تخریب این لایه‌ها معضلات سامانه‌ای بافت به وجود آمده است. بدین منظور با استفاده از رهیافت پژوهش کیفی پس از استخراج مؤلفه‌ها، سنجه‌ها و ریزسنجه‌های شاخصه‌های کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، محیطی در چمن (فضای عمومی محله با تأکید بر هویت محله)، امتیازدهی به هر یک از سنجه‌ها با بهره‌گیری از نظر

جدول ۳: سیمای کلی طیف متخصص مشارکت‌کننده در پژوهش

سن		تحصیلات		جنسیت	
۵۰ تا ۶۰ سال	۴۰ تا ۵۰ سال	دکتری	کارشناسی ارشد	مرد	زن
۱۰ نفر	۱۵ نفر	۵ نفر	۱۰ نفر	۱۸ نفر	۱۲ نفر

که همان ارزیابی سه محله بر اساس معیارهای کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی است که توسط ماتریس تصمیم نرمال و با استفاده از روابط فرمولی وزن شاخص‌ها مشخص می‌شود.

در تکنیک تاپسیس، پس از تشکیل ماتریس تصمیم و نرمال کردن این ماتریس، ماتریس تصمیم نرمال موزون شکل می‌گیرد. گام بعدی تشکیل ماتریس نرمال موزون بر اساس وزن معیارها است. بنابراین باید از پیش اوزان معیارها با استفاده از تکنیکی مانند AHP یا آنتروپی

۶-۱- تجزیه و تحلیل داده‌ها بر مبنای روش آنتروپی شانون و تکنیک تاپسیس

ابتدا از نتایج به دست آمده از داده‌های منتج از امتیازدهی لیکرت و داده‌های آن استفاده شده و در روش اصلی محاسبات به کار گرفته شد. از اعداد به دست آمده از لیکرت پنج مرحله‌ای در روش آنتروپی شانون استفاده شد. سپس وزن (اهمیت) عوامل پژوهش محاسبه شد. به این صورت که ابتدا ماتریس تصمیم تشکیل می‌شود

گزینه به راه حل ایده آل حساب می‌شود. در نهایت میزان نزدیکی نسبی هر گزینه به راه حل ایده آل از فرمول زیر محاسبه می‌شود. قابل ذکر است مقدار CI بین صفر و یک است. هر چه این مقدار به یک نزدیک‌تر باشد راهکار به جواب ایده آل نزدیک‌تر است و راهکار بهتری می‌باشد.

$$d_i^+ = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^+)^2} \quad d_i^- = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^-)^2} \quad cl_i = \frac{d_i^-}{d_i^- + d_i^+}$$

ابعاد چهارگانه‌ی پژوهش، مرکز محله حاجی رتبه اول را کسب کرده است. مرکز محله گلپا و محله کبابیان در اولویت‌های دوم و سوم هستند.

شانون محاسبه شده باشد. محاسبه ایده‌آل‌های مثبت (d_i^+) و منفی ($-d_i^-$) گام بعدی است. در این گام برای هر شاخص یک ایده‌آل مثبت و یک ایده‌آل منفی محاسبه می‌شود. فاصله از ایده‌آل‌های مثبت و منفی و محاسبه راه حل ایده‌آل خواهد بود. در آخر میزان نزدیکی نسبی هر

در مرحله بعد، با استفاده از روش تاپسیس شش مرحله‌ای، سه محله پژوهش رتبه‌بندی خواهند شد ابتدا ماتریس تصمیم روش تاپسیس تشکیل می‌شود که همان ماتریس تصمیم روش آنترویی شانون است. بر این اساس از نظر

جدول ۴: امتیاز و رتبه نهایی گزینه‌ها از نظر معیار کالبدی

رتبه	امتیاز نهایی	فاصله تا ایده‌آل منفی	فاصله تا ایده‌آل مثبت	
۲	۰.۴۶۷	۰.۱۰۵	۰.۱۱۹	مرکز محله گلپا
۱	۰.۶۲۹	۰.۱۴۱	۰.۰۸۳	مرکز محله حاجی
۳	۰.۳۴۷	۰.۰۸۲	۰.۱۵۴	مرکز محله کبابیان

امتیاز نهایی یا CI بین صفر و یک است. هر چه این مقدار به یک نزدیک‌تر باشد، راهکار به جواب ایده‌آل نزدیک‌تر است.

جدول ۵: امتیاز و رتبه نهایی گزینه‌ها از نظر معیار اجتماعی

رتبه	امتیاز نهایی	فاصله تا ایده‌آل منفی	فاصله تا ایده‌آل مثبت	
۲	۰.۴۱۳	۰.۰۷۳	۰.۱۰۴	مرکز محله گلپا
۱	۱.۰۰۰	۰.۱۶۳	۰.۰۰۰	مرکز محله حاجی
۳	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۱۶۳	مرکز محله کبابیان

امتیاز نهایی یا CI بین صفر و یک است. هر چه این مقدار به یک نزدیک‌تر باشد، راهکار به جواب ایده‌آل نزدیک‌تر است.

جدول ۶: امتیاز و رتبه نهایی گزینه‌ها از نظر معیار اقتصادی

رتبه	امتیاز نهایی	فاصله تا ایده‌آل منفی	فاصله تا ایده‌آل مثبت	
۳	۰.۱۲۷	۰.۰۲۲	۰.۱۵۵	مرکز محله کلپا
۲	۰.۶۴۷	۰.۱۰۵	۰.۰۵۷	مرکز محله حاجی
۱	۰.۸۶۹	۰.۱۵۵	۰.۰۲۳	مرکز محله کبابیان

امتیاز نهایی یا CI بین صفر و یک است. هر چه این مقدار به یک نزدیک‌تر باشد، راهکار به جواب ایده‌آل نزدیک‌تر است.

جدول ۷: امتیاز و رتبه نهایی گزینه‌ها از نظر معیار محیطی

رتبه	امتیاز نهایی	فاصله تا ایده‌آل منفی	فاصله تا ایده‌آل مثبت	
۳	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۱۲۷	مرکز محله کلپا
۱	۱.۰۰۰	۰.۱۶۳	۰.۰۰۰	مرکز محله حاجی
۲	۰.۰۱۳	۰.۰۰۳	۰.۱۰۴	مرکز محله کبابیان

امتیاز نهایی یا CI بین صفر و یک است. هر چه این مقدار به یک نزدیک‌تر باشد، راهکار به جواب ایده‌آل نزدیک‌تر است.

۷. بحث

و پیش‌بینی دسترسی آرام و پیاده از تمام نقاط محله به آن و توجه به نوع دسترسی‌ها و سلسله‌مراتب آن‌ها از جمله مواردی است که محیطی مطلوب و منسجم و معنی‌دار برای ساکنینش در طول سالیان ایجاد کرده و در نهایت با ایجاد معابر حلقه‌ای و بن‌بست و هم‌چنین ترویج کوچه در مقیاس محله که معبری باریک و سنتی است، باعث افزایش دسترسی پیاده علاوه بر تأمین خلوت و آرامش موردنیاز شده است. این تحقیق نشان می‌دهد کیفیت فضای میانوند در محلات (مرکز محلات) بر میزان سرزندگی و پویایی در محله تأثیر مستقیم دارد. بنابراین چمن‌ها مراکزی هستند که با خصوصیات ویژه خود افراد محله را برای ارتباطات اجتماعی ترغیب کرده و باعث انتخاب فعالیت‌های اختیاری در محلات و ایجاد شبکه درون‌شهری مستحکم‌تری از حیث دینامیسم شهری می‌گردند.

در جدول ۷ جمع‌بندی ارزیابی پویایی در سه محله نمونه موردی بر اساس شاخصه‌ها و معیارهای پویایی و دینامیسم فضایی صورت گرفته است. بر اساس نتایج این پژوهش و نظرات متخصصان مرکز محله حاجی نسبت به دو مرکز محله دیگر دارای دینامیسم فضایی پایدارتری است.

به منظور ارتباط بهتر با محیط و نظارت مسئولانه‌تر بر فضا در نظر گرفتن ترکیبی از عرصه‌ها در طراحی محلات به عنوان فضای عمومی میانی که حیات شهر در آن جاری است، ضروری به نظر می‌رسد. همان‌گونه که از بررسی‌های صورت‌گرفته در مورد نمونه موردی چمن (گره یا میدان اجتماعی) برمی‌آید این میدان‌ها در طول سالیان الگوی کارکردی مناسبی را به لحاظ قلمروی فیزیکی و ذهنی در محلات همدان داشته‌اند و علاوه بر وجود مالکیت واقعی بر عرصه‌ها که بیانگر نظارت و کنترل فضاست، مالکیت نمادین در فضای عمومی با پیش‌بینی فضای زنده و جاذب، تشدید استفاده از فضای عمومی، تقویت ارتباطات اجتماعی را در طول سالیان برای ساکنان محلات فراهم داشته و با افزایش حس تعلق افراد به محیط احساس مسئولیت آن‌ها در بهره‌برداری بهینه از فضا و شرکت در فعالیت‌های جمعی را تقویت کرده است. تعیین حریم کالبدی محله توسط طراحی بدنه‌ها، موانع طبیعی، معابر و کاربری‌ها و توجه به ورودی‌های محلات در همدان و در نظر گرفتن کاربری‌های متناسب و سازگار برای خودکفایی نسبی چمن‌ها، باعث تقویت مرکز محله (چمن) گشته

جدول ۸: امتیاز و رتبه نهایی گزینه‌ها از مجموع امتیاز تاپسیس شش مرحله‌ای

رتبه	امتیاز نهایی	نام محله
۲	۰.۴۶۷	مرکز محله گلپا
۱	۰.۶۲۹	مرکز محله حاجی
۳	۰.۳۴۷	مرکز محله کبابیان

پویایی و جنب‌وجوش محله‌ای را تحکیم می‌بخشد. از آن جایی که بیش‌تر روابط فقط درون محله بود، نوعی استقلال منطقه‌ای داشته و نیازهای روزمره ساکنین و تا حدی اشتغال محلی را فراهم می‌ساخته است. لذا محله از ابعاد متفاوت اجتماعی، اقتصادی و کالبدی دارای استقلال نسبی بود. نهادها و تجهیزات خدماتی و اجتماعی از نظر کالبدی در نقاط حساس با تعریف فضای میانوند (مرکز محله) قرار گرفته است. فضاهای میانوند یادشده با تعریف مرکز محله پرنرنگ‌تر جلوه‌گر شده و از نظر کالبدی یا به صورت یک راسته عریض یا به صورت میدانچه‌هایی که اغلب در محل تقاطع چند راه اصلی محله قرار داشتند، قرار می‌گرفتند. یکی از ویژگی‌های شکل‌دهنده مرکز محله، ایجاد و توسعه فضاهای میانی به عنوان راهکار ارتباطی در شبکه درون‌شهری است که این مهم در محله حاجی به سبب موقعیت مناسب فضایی، محصوریت مطلوب و مراکز نیرومند موجود در این چمن، این فضای میانوند را به فضای منتخب تبدیل نموده است. در ادامه تحلیل، با برگشتی به جدول ۲ و نتایجی که محله

در حقیقت این‌گونه به نظر می‌رسد که محله حاجی به دلیل قرارگیری کاربری‌های فرهنگی و اجتماعی مختلف موجود در آن و سبقه فعالیت‌های اجتماعی و مردمی به دلیل یک‌دستی ساکنان آن، تعلقات عاطفی به خانه و همسایگان و هیئت‌ها و اجتماعات انسانی در محله، دغدغه اجتماعی فرهنگی بالاتری نسبت به سایر محلات مورد مطالعه در شهر همدان را برخوردار است و به همین دلیل محرک‌های توسعه‌ای که نگاه اجتماعی-فرهنگی و کالبدی منعطف‌تر و برجسته‌تری را به همراه دارند. بر این اساس، نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که وجوه مختلف TND و اقدامات بازآفرینی شهری محرک توسعه می‌تواند حس مشارکت و همکاری ساکنان آن در کمک به پیشبرد هر چه بهتر پروژه‌ها به دلیل اعتماد و اعتباری که ساکنین از یک‌دیگر دارند و تعلقات عاطفی که در بین آن‌ها وجود دارد را افزوده و منجر به بازتولید تعاملات اجتماعی با زیرساخت دینامیسم شهری و درون منطقه‌ای شده و امنیت بیشتری نیز برای محله به ارمغان می‌آورد. مراکز محلات به عنوان فضای میانی اثرگذار

حاجی را در محاسبات آماری به محله برگزیده تبدیل کرده است. پس از به دست آوردن نتایج، با مراجعه به جداول محله حاجی، ضرایب اهمیت شاخص‌ها را بررسی کرده و از آن

میان، برحسب درجه انحراف هر شاخص (d_i)، جدول ۷ با محتوای غربالگری شاخص‌های اثرگذار در پویایی محله برتر یعنی محله حاجی ارائه می‌شود.

جدول ۹: دانه‌بندی شاخص‌های برتر (درجه اهمیت بالاتر یا d_i بیش‌تر) پویایی در فضای میانوند «محله حاجی»

ردیف	شاخص‌های برتر (سنجه‌های برتر)	نظام مؤلفه	ابعاد ساختاری بر اساس رویکرد TND	d_i
۱	ابعاد و اندازه فضای میانی	نظام ساختاری	کالبدی- فضایی	۰.۹۴
۲	دسترسی مناسب فیزیکی، بصری و حرکتی	نظام دسترسی	کالبدی- فضایی	۰.۹۱
۳	نحوه چیدمان فضایی	منطق فضایی	کالبدی- فضایی	۰.۷۳
۴	محصولیت مطلوب	محصولیت	کالبدی- فضایی	۰.۶۹
۵	مکان‌های مناسب استراحت	خدماتی	اجتماعی- فرهنگی	۰.۶۰
۶	توجه به مکث مناسب	اجتماعی	اجتماعی- فرهنگی	۰.۵۵
۷	تجمیع کاربران (تعامل و گفتگو)	اجتماعی- فرهنگی	اجتماعی- فرهنگی	۰.۵۱
۸	مراکز نیرومند طبیعی	ساختار زنده	محیطی	۰.۳۷
۹	تقارن موضعی	ساختار زنده	محیطی	۰.۳۲
۱۰	تنوع عملکرد اقتصادی	اقتصاد رو به رشد	اقتصادی	۰.۱۲
۱۱	تأکید بر راهبردهای باززنده‌سازی	اقتصاد رو به رشد	اقتصادی	۰.۰۹

بافت درون‌شهری می‌شود. یکی از بهترین راه‌های احیاء محلات سنتی، بازآفرینی مبتنی بر رویکرد محرک توسعه در جهت بازگرداندن جنب‌وجوش، حس زندگی و شوق و اشتیاق در تعاملات اجتماعی است. با توجه به بررسی‌های صورت‌گرفته در این تحقیق، می‌توان این‌چنین نتیجه گرفت که چگونگی کیفیت فضای میانوند در محله‌ها می‌تواند بر چگونگی سایر کیفیت‌ها مانند کیفیت‌های انسانی- محیطی تأثیر گذاشته و با افزایش کیفیت فضای میانی در محلات می‌توان شاهد افزایش تعاملات اجتماعی و به دنبال آن دینامیسم درون‌محله بود.

روند باززنده‌سازی و خلق دینامیسم درون‌محله‌ای با تمرکز بر مراکز محلات، تدریجی، مداوم، زمان‌بر و بی‌پایان است و برون‌داد این فرایند، پویایی مکانی است که حاصل تعامل افراد و گروه‌ها با فضا و تولید معنا است. در کنار این بازتولید، توجه هم‌زمان به مفهوم آینده محلات و تأکید بر مفهوم میراث آینده و تلفیق هوشمندانه این دو حائز اهمیت است.

در نهایت می‌توان گفت حوزه‌های متعددی از جمله مدیریت یکپارچه اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و محیط زیستی در جریان احیاء مراکز محلات تأثیرگذارند و در نتیجه ماهیت خروجی و محصول نهایی که همان پویایی درون‌محله است را به وجود می‌آوردند.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که سازمان‌دهی

اثرگذاری این دانه‌بندی در نظام طراحی درون‌ساز شهری منتهی به ایجاد و تثبیت موارد ذیل می‌شود:

۱. تحکیم ماهیت مراکز محلات با توجه بر فضای پویا و کارآمد با رویکرد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی (TND).
۲. توجه به انسجام و یکپارچگی بافت درون‌شهری از طریق تأکید کارآمد به شبکه فضای میانی.
۳. اثرگذاری صحیح و متوازن مؤلفه‌های اجتماعی در ساختار مراکز محلات و توجه به مشارکت افراد در ایجاد تعامل محیطی.
۴. توجه به آسایش اقلیمی و حفاظت و احیای بافت سبز درون‌شهری.
۵. تعدیل تراکم عملکردی و هم‌چنین هم‌پیوندی کالبدی- فضایی با تأکید بر ایجاد و تثبیت فضاهای مؤثر.
۶. جذب سرمایه‌گذار و اشتغال‌زایی از طریق تنوع عملکردهای اقتصادی.

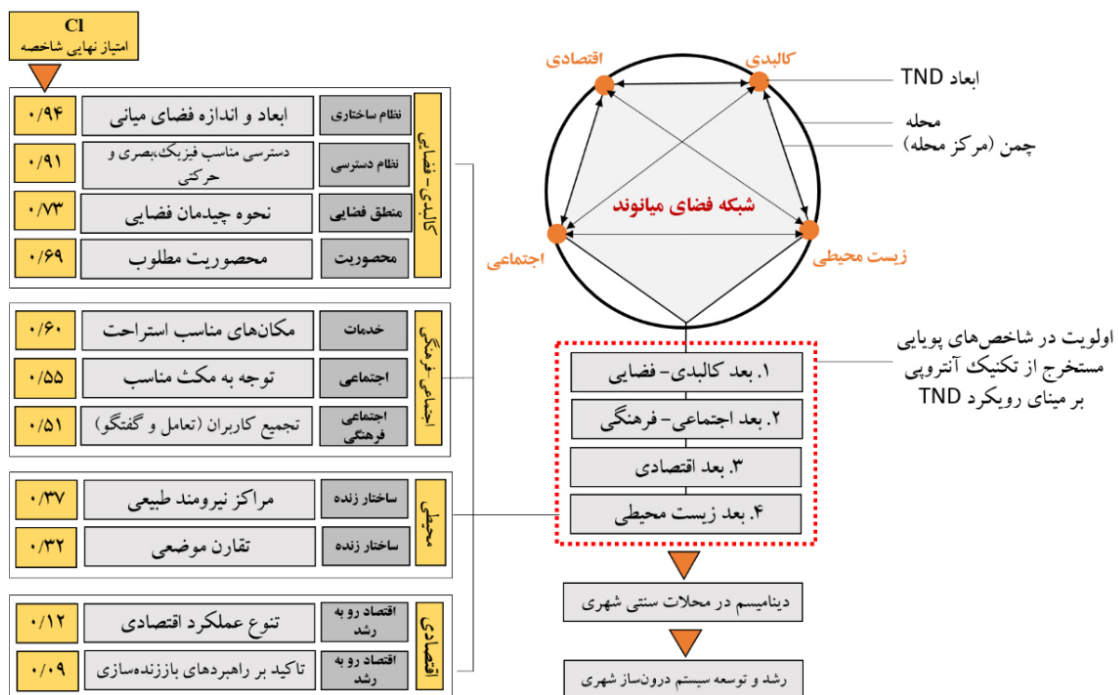
۸. نتیجه‌گیری

این پژوهش بر این نظر استوار است که شبکه پویای چند معیاره فضای میانوند؛ با تأکید بر رتبه‌بندی مشخص، در ایجاد نظام فضایی کارآمد نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. راهکاری که در استراتژی طراحی محلات با رویکرد TND منجر به رشد لایه‌های دینامیسم اجتماعی در

میانوند و محله داشته و زمینه را برای پویایی اجتماعی در مراکز محلات به عنوان کانال جریان دینامیسم اجتماعی به محله و شهر مهیا می‌سازد. این پژوهش می‌تواند برای تدوین ضوابط طراحی فضای میانوند در محلات معاصر جهت ارتقای کیفی و پویایی فضای محلات امروزی مفید و مؤثر باشد. امید است این نتایج زمینه‌ساز پژوهش‌هایی در جهت باززنده‌سازی مراکز محلات تاریخی، به عنوان میراثی برای آیندگان شود و در طراحی محلات جدید نیز با رعایت ضوابط منتج از این تحقیق، شاهد دینامیسم و پویایی بیش‌تر در روابط میان حلقه‌های گمشده در تشکیل ساختار محله-شهر باشیم.

دینامیسم درون‌محله‌ای، از طریق شبکه فضایی میانوند، مقوله‌ای درهم‌تنیده است. این رویداد بر اساس نتایج حاصل، منبعث از عوامل مختلفی از جمله راهبردهای توسعه اقتصادی در محلات، تنوع عملکرد اقتصادی، مقیاس مرکز محله، توجه به نیاز اجتماعی مکث و حرکت، دسترسی مناسب فیزیکی، بصری و حرکتی، تجمیع کاربران از سطوح مختلف فرهنگی، محصوریت مطلوب، تنوع در فضابندی و به‌کارگیری ساختارهای زنده در خلق فضا است. مقیاس مرکز محله به عنوان عنصر میانی و دسترسی مناسب فیزیکی، بصری و حرکتی به آن و تنوع در فضابندی مرکز محله بیش‌ترین تأثیر را در شبکه فضای

شکل ۸: دیاگرام آنالیز سامانه فضای میانوند محلات در شهر همدان



همراه با غربالگری سنجه‌های مؤثر بر دینامیسم فضای میانوند بر اساس تحلیل تکنیک آنتروپی

فهرست منابع

- آژنگ، نصرالله. ۱۳۸۷. «چمن»های محلات همدان (کارکرد اجتماعی آن‌ها). *فصلنامه فرهنگ مردم* ۷(۲۶): ۸۴-۸۵. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/488074>
- اخوان، آرمین. ۱۳۹۸. بهره‌گیری از رویکرد TND در راستای طرح‌ریزی محلات سرزنده (مطالعه موردی: محله عباس‌خانی شهر ساری). *چهارمین کنگره بین‌المللی توسعه کشاورزی، منابع طبیعی، محیط‌زیست و گردشگری ایران، تبریز، ایران*. <https://civilica.com/doc/972073>
- اشتری، حسن، و حافظ مهدنژاد. ۱۳۹۱. *شهر خلاق، طبقه خلاق*. تهران: انتشارات تیسرا.
- الکساندر، کریستوفر. ۱۹۸۱. *سرشت نظم*. ترجمه رضا سیروس صبری و علی اکبری. ۱۳۹۰. تهران: پرهام نقش.
- حبیب، فرح. ۱۳۸۷. شار ایرانی - فضای شهری. *فصلنامه مسکن و انقلاب* ۲۷(۱۲۳): ۱۴-۲۷. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1022382>
- حبیبی، سید محسن. ۱۳۷۸. فضای شهری، حیات واقعه‌ای و خاطره‌های جمعی. *دوفصلنامه صفه* ۲۸(۹): ۱۶-۲۱. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=47097>
- رفیعیان، مجتبی، سیدغلامرضا اسلامی، و هانیه هودسنی. ۱۳۸۶. ادراک ذهنی ساکنین محله از فرایند مشارکتی توسعه (نمونه موردی: محله جلفا - تهران). *مجله علوم انسانی* ۱۵(۱): ۵۵-۶۸. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=88339>
- رلف، ادوارد. ۱۹۷۶. *مکان و بی‌مکانی*. ترجمه محمدرضا نقصان محمدی و دیگران. ۱۳۸۹. تهران: انتشارات آرمان شهر.
- زارعی، محمد ابراهیم. ۱۳۹۱. ساختار کالبدی - فضایی شهر همدان از آغاز دوره اسلامی تا پایان دوره قاجار بر اساس مدارک و شواهد موجود. *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران* ۱(۱): ۵۷-۸۲. https://nbsh.basu.ac.ir/article_320.html
- زال‌نژاد، کاوه، سید فضل‌اله حسینی، و یوسف علی‌پور. ۱۳۹۸. تأثیر اصول شهر زیست‌پذیر در ارتقای سطح رضایت‌مندی شهروندان، مورد مطالعاتی: ناحیه ۴ منطقه ۴ شهرداری تهران. *فصلنامه آرمان‌شهر* ۱۲(۲۸): ۱۷۱-۱۸۳. doi: 10.22034/aaud.2019.111756.1388
- سجاذزاده، حسن، رضوان دالوند، و مریم حمیدی‌نیا. ۱۳۹۵. نقش بازآفرینی با رویکرد محرک توسعه در محلات سنتی (نمونه موردی: محله حاجی شهر همدان). *نشریه هفت شهر* ۴(۵۳ و ۵۴): ۵۴-۷۶. http://www.haftshahrjournal.ir/article_24600.html
- سجاذزاده، حسن، و سجاد زلفی‌گل. ۱۳۹۴. طراحی شهری در بازآفرینی محلات سنتی با رویکرد محرک توسعه نمونه موردی: محله کلبا همدان. *فصلنامه آمایش محیط* ۸(۳۱): ۱۴۷-۱۷۱. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=262270>
- سعیدی، مهدی، الهام شیری، و رزا درخشان. ۱۳۹۱. بررسی شاخص‌های پایداری به‌منظور دستیابی به یک محله پایدار نمونه موردی: محله آقاجانی بیگ شهر همدان. همایش معماری پایدار و توسعه شهری، بوکان، ایران. <https://civilica.com/doc/213970>
- شولتز، کریستیان نوربرگ. ۱۹۸۵. *مفهوم سکونت به سوی معماری تمثیلی*. ترجمه محمود امیر یاراحمدی. ۱۳۸۴. تهران: انتشارات آگاه.
- شهبازی، مهرداد، منصور یگانه، و محمدرضا بمانیان. ۱۳۹۹. شناسایی عوامل کالبدی - فضایی مؤثر بر سرزندگی محیطی در فضاهای باز مجموعه مسکونی از دیدگاه طراحان و ساکنین، مورد مطالعاتی: مجتمع‌های مسکونی شهر تهران. *فصلنامه آرمان‌شهر* ۱۳(۳۰): ۱۱۷-۱۳۷. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=509637>
- غروی الخوانساری، مریم. ۱۳۹۶. از محله سنتی تا محله معاصر: کندوکاوی در راهکارهای احیاء هویت محلی در شهر امروز. *فصلنامه آرمان‌شهر* ۱۰(۲۱): ۶۱-۷۶. http://www.armanshahrjournal.com/article_58566.html
- فارسی، طیبه، شهریار ناسخیان، و احمد شاهبوندی. ۱۳۹۸. ارزیابی پس از بهره‌برداری یک پاتوق شهری جهت بررسی اثرات آن بر ارتقای سرزندگی (نمونه موردی: پاتوق شهری در معبر تاریخی - طبیعی شهر اصفهان). *فصلنامه آمایش محیط* ۱۲(۴۷): ۱۶۲-۱۴۵. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=503511>
- فردپور، سارا، فریبرز دولت آبادی، و محمدجواد مهدوی‌نژاد. ۱۴۰۰. خوانش طرح‌واره نمای ساختمان‌های شهری معاصر تهران در دوره پهلوی اول و دوم. *فصلنامه آرمان‌شهر* ۱۴(۳۵): ۱۴۹-۱۶۴. doi:10.22034/aaud.2020.204911.2018
- گل، یان. ۱۹۷۱. *زندگی در فضای میان ساختمان‌ها*. ترجمه شیمیا شصتی. ۱۳۸۷. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- لنگ، جان. ۱۹۸۷. *آفرینش نظریه معماری*. ترجمه علیرضا عینی‌فر. ۱۳۸۸. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- لینچ، کوین. ۱۹۸۱. *تئوری شکل شهر*. ترجمه سید حسین بحرینی. ۱۳۸۱. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- متقی، ملیکا، ویدا نوروز برازجانی، و مزین دهباشی شریف. ۱۴۰۰. نقش تغییر کاربری در شبکه فضای میانوند و دینامیسم شهری؛ نمونه موردی: خانه‌های تاریخی تهران. *فصلنامه نقش جهان - مطالعات نظری و فناوری‌های نوین معماری و شهرسازی* ۱۱(۲): ۴۸-۲۷. <https://bsnt.modares.ac.ir/article-2-53425-fa.html>
- مدنی‌پور، علی. ۱۹۹۶. *طراحی فضای شهری نگرشی بر فرآیندی اجتماعی و مکانی*. ترجمه فرهاد مرتضایی. ۱۳۸۴. تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- مدنی‌پور، علی. ۲۰۰۳. *فضای عمومی و خصوصی شهری*. ترجمه فرشاد نوریان. ۱۳۹۱. تهران: نشر شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد. ۱۳۹۳. *اصول و مبانی معاصر سازی معماری معاصر در بافت‌های کهن، ارزشمند و تاریخی*. تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- ناردیان، زهرا. ۱۳۹۶. بازآفرینی فرهنگی اجتماعی فضاهای شهری با هدف ارتقاء هویت محله‌ای (مطالعه موردی: محله سنگ شیر همدان). *مطالعات محیطی هفت حصار* ۵(۱۹): ۹۶-۸۷. <http://hafthesar.iauh.ac.ir/article-1-407-fa.html>
- نکویی، مصطفی، محمدرضا رضایی، فریبا بهرامی، و شیرین مهره‌کش. ۱۳۹۲. تجدید حیات محلات تاریخی در راستای توسعه پایدار شهری

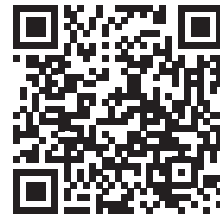
- با تکیه بر رویکرد TND مطالعه موردی: محله بیدآباد شهر اصفهان. اولین همایش ملی شهرسازی و معماری در گذر زمان، قزوین، ایران. <https://civilica.com/doc/231933>
- نیومن، اسکار. ۱۹۹۶. *خلق فضاهای قابل دفاع*. ترجمه فائزه رواقی و کاوه صابر. ۱۳۸۷. تهران: نشر طحان.
 - وایت، ویلیام. ۱۹۸۰. *زندگی اجتماعی فضاهای شهری کوچک*. ترجمه میترا حبیبی و محمدهادی گیائی. ۱۳۹۲. تهران: انتشارات دانشگاه هنر تهران.
 - هال، ادوارد توییچل. ۱۹۶۶. *بعد پنهان*. ترجمه منوچهر طیبیان. ۱۳۸۴. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 - Anderson, Jamie, Kai Ruggeri, Koen Steemers, and Felicia Huppert. 2017. "Lively Social Space, Well-Being Activity, and Urban Design: Findings From a Low-Coſt Community-Led Public Space Intervention". *Environment and Behavior*. 49 (6): 685-716. doi:[10.1177/001391651770914](https://doi.org/10.1177/001391651770914)
 - Carmona, Matthew. 2010. "Contemporary Public Space: Critique and Classification, Part One: Critique". *Journal of Urban Design*. 15 (1): 123-148. doi.org/[10.1080/13574800903435651](https://doi.org/10.1080/13574800903435651)
 - Cilliers, E. J., W. Timmermans, F. van den Goorbergh, and J. S. A. Slijkhuis. 2015. "Designing public spaces through the lively planning integrative perspective". *Environment, Development and Sustainability* 17 (6): 1367-1380. doi.org/[10.1007/s10668-014-9610-1](https://doi.org/10.1007/s10668-014-9610-1)
 - Collins, George R., and Christiane Crasemann Collins. 1965. *Camillo Sitte and the birth of modern city planning*. New York: Random House.
 - De Smet, Aurelie. 2012. *Learning Form Tactical Approaches to Urban Voids*. Academia. <https://www.academia.edu/19188159>
 - Duanny, Andres, and Elizabeth Plater-Zyberk. 2010. *the Neighborhood, The District and the corridor*. in Katz, Peter, Todd W. Bressi, and Vincent Scully. 1996. *The new urbanism: Toward an architecture of community*. New York: McGraw-Hill. <https://www.csus.edu/indiv/s/shawg/courses/154/articles/TNU2.pdf>
 - Hudson, Joanne, and Pamela Shaw. 2012. *As Found: Contested uses within the 'left-over' spaces of the city*. Conference Paper, Research Group for Landscape architecture and urbanism, Copenhagen University. <https://anzasca.net/wp-content/uploads/2016/12/29-1179-279-288.pdf>
 - Jacobs, Jane. 1961. *The death and life of great American cities*. New York: Random House.
 - Lane, David C., Nuno Videira, and José Luís Casanova. 2019. "Participation methods, system dynamics, and society-Some notes". *Systems Research and Behavioral Science* 36 (2): 211-214. doi.org/[10.1002/sres.2581](https://doi.org/10.1002/sres.2581)
 - Loktionov, Mikhail. 2019. "Historical Analysis of the Dynamics of Society by Alexander Bogdanov". *ISTORIYA* 10 (11 (85)): 0. <https://doi.org/10.18254/S207987840005461-6>
 - Luz, Ana. 2006. *Places In-Between: The Transit(ional) Locations of Nomadic Narratives*. *Studies in Environmental Aesthetics and Semiotics* 5: 143-165. http://www.eki.ee/km/place/pdf/kp5_11_luz.pdf
 - Ohm, Brian W., James A. LaGro, and Chuck Strawser. 2001. *A model ordinance for a traditional neighborhood development*. [Madison, Wis.]: UW--Extension. https://doa.wi.gov/DIR/Comp_Planning_tndord.pdf
 - Osorio, Arturo E. 2012. "In-between spaces in antofagasta: Relationship of architecture with its context". *AUS* 2012 (12): 10-13. doi: [10.4206/aus.2012.n12-03](https://doi.org/10.4206/aus.2012.n12-03)
 - Piccinno, Giovanna, and Elisa Lega. 2013. "Spatial Design for New Typologies of Places: In-Between Urban Spaces". In *Space and Place: Diversity in Reality, Imagination, and Representation*, Brill, 41-49. doi.org/[10.1163/9781848881266_005](https://doi.org/10.1163/9781848881266_005)
 - Rahman, F, and M. Jones. 2016. *Responding to Climate Change*. Climate. NASA. <http://climate.nasa.gov/solutions/adaptation-mitigation/>
 - Rauh, Andreas. 2015. "On the ethical-aesthetic potentials of special atmospheres". *Lebenswelt: Aesthetics and Philosophy of Experience* 4: 246-263. doi:[10.13130/2240-9599/4203](https://doi.org/10.13130/2240-9599/4203)
 - Comitta, Thomas J. 2010. "Traditional Neighborhood Development (TND)" in Pennsylvania & Beyond. https://comitta.com/wp-content/uploads/2015/11/CNU-TND-Presentation_4-10-10email.pdf
 - Veal, A. J. 2020. "Planning for Open Space and Recreation". *Australian Planner* 56 (1): 37-47. <https://doi.org/10.1080/07293682.2020.1739091>
 - Yaghmaeian, Shiva, and Farhad Habib. 2017. "Developing P.P.P Model of Place Attachment for Evaluating Residential Environment (Cases Study: Open Space of Iranzamin and Ekbatan Apartment Buildings)". *International Journal of Architecture and Urban Development* 9(1): 17- 24. https://ijaud.srbiau.ac.ir/article_14009.html

نحوه ارجاع به این مقاله

متقی، ملیکا، ویدا نوروز برازجانی، مزین دهباشی شریف، و سید امیر منصوری. ۱۴۰۱. نقش شبکه فضای میانوند در خلق دینامیسم درون‌شهری با تمرکز بر مراکز محلات شهر همدان. نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر ۱۵(۳۹): ۱۶۹-۱۸۶.

DOI: 10.22034/AAUD.2022.224740.2165

URL: http://www.armanshahrjournal.com/article_155404.html

**COPYRIGHTS**

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Armanshahr Architecture & Urban Development Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License.

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

